Journal of Islamic Wisdom and Law
Vol. 1, No. 1, Spring – Summer 2024
Sanad.iau.ir/journal/iwl
Doi: 10.71844/iwl.2024.1193274

Original Paper

Article History:
Received: 10 April 2024
Revised: 5 May 2024
Accepted: 6 June 2024
Published Online: 21 June 2024

Peace and Diplomacy in Islam: A Jurisprudential and Historical Examination of International Relations and Conflict Resolution

Asma Shahriyari[1] (Corresponding Author), Mahdi Abdolmaleki[2]
1. Phd Condidate, Department of Public International Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.
E-Mail: asma.shahriyari98@gmail.com
2. Department of International Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

Abstract
Peace and diplomacy are of particular importance in Islam, and this topic has been addressed both jurisprudentially and historically. In Islamic jurisprudence, Peace is recognized as one of the fundamental principles for preserving and expanding the Islamic religion and community. Diplomacy and peaceful methods were also used by the Prophet of Islam (peace be upon him and his family) to resolve disputes and establish peace during his lifetime. Historically, Diplomacy and negotiation were the tools used by the Prophet of Islam (PBUH) to turn many wars and conflicts into peace and peaceful coexistence. One prominent example of this approach is the Treaty of Hudaybiyyah, which was **signed** with the Quraysh and brought ten years of peace and tranquility to Muslims. Additionally, a history of coexistence between Muslims, Jews and Christians shows, lots of featuring numerous examples of treaties and peaceful agreements, that confirm the importance of peace and diplomacy in Islam. Islam believes that peace or war is necessary depending on the circumstances, and ultimately, it advocates fighting against oppression to achieve a just peace in the world. The strategies of the Prophet Muhammad (peace be upon him) in diplomacy and international relations show that the call to Islam always took precedence over war. The importance of peace and diplomacy in Islam is highlighted by many examples of treaties and peaceful agreements, including the Treaty of Hudaybiyyah and the Constitution of Medina. Finally, Islam prescribes the fight against oppression so that the world can achieve a just peace.

Keywords: Islamic international relations, the diplomacy of the Prophet, Islamic jurisprudence, conflict resolution, peaceful coexistence.

Citation: Shahriyari, A.; Abdolmaleki, M. (2024). Peace and Diplomacy in Islam: A Jurisprudential and Historical Examination of International Relations and Conflict Resolution. Journal of Islamic Wisdom and Law, 1 (1), 8-23. Doi: Doi: 10.71844/iwl.2024.1193274

Copyrights:
Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granded to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – acsses article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. **Publisher: Islamic Azad University of Najafabad**.

دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق
دوره ۱، شماره ۱، بهار- تابستان ۱۴۰۳
Sanad.iau.ir/journal/iwl
Doi: 10.71844/iwl.2024.1193274

مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۲
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۱۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۷
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

صلح و دیپلماسی در اسلام: مطالعه فقهی - تاریخی حل منازعات

اسماء شهریاری[۱] (نویسنده مسئول)، مهدی عبدالمالکی[۲]

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق بین الملل عمومی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

asma.shahriyari98@gmail.com

۲. گروه حقوق بین الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

چکیده

صلح و دیپلماسی در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این موضوع هم از نظر فقهی و هم تاریخی مورد توجه قرار گرفته است. در فقه اسلامی، صلح به عنوان یکی از اصول اساسی برای حفظ و گسترش دین و جامعه اسلامی شناخته می‌شود. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز در دوران حیات خود از دیپلماسی و روش‌های مسالمت‌آمیز برای حل و فصل اختلافات و برقراری صلح استفاده می‌کردند. از نظر تاریخی، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) با استفاده از دیپلماسی و مذاکره، توانستند بسیاری از جنگ‌ها و درگیری‌ها را به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز تبدیل کنند. یکی از نمونه‌های بارز این رویکرد، پیمان حدیبیه است که با قریش بسته شد و به مدت ده سال صلح و آرامش را برای مسلمانان به ارمغان آورد. همچنین، تاریخچه‌ای از همزیستی مسلمانان با یهودیان و مسیحیان، به ویژه در منشور مدینه و پیمان صلح با مسیحیان نجران، ارائه شده است، نمونه‌های متعددی از پیمان‌ها و صلح‌های مسالمت‌آمیز مانند صلح حدیبیه و پیمان مدینه که نشان‌دهنده اهمیت صلح و دیپلماسی در اسلام است. در اسلام بنا بر اقتضاء شرایط صلح یا جنگ ضرورت می‌یافت و البته در نهایت، اسلام مبارزه با ظلم را تجویز می‌کند تا جهان به صلحی عادلانه دست یابد. استراتژی‌های پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در دیپلماسی و روابط بین‌المللی نشان می‌دهد که دعوت به اسلام همیشه بر جنگ مقدم بوده است. نمونه‌های متعددی از پیمان‌ها و صلح‌های مسالمت‌آمیز مانند صلح حدیبیه و پیمان مدینه نشان‌دهنده اهمیت صلح و دیپلماسی در اسلام است. در نهایت، اسلام مبارزه با ظلم را تجویز می‌کند تا جهان به صلحی عادلانه دست یابد.

کلمات کلیدی: روابط بین‌الملل اسلامی، دیپلماسی پیامبر، فقه اسلامی، حل منازعات، همزیستی مسالمت‌آمیز.

نحوه ارجاع به مقاله:

شهریاری، اسماء؛ عبدالمالکی، مهدی (۱۴۰۳). صلح و دیپلماسی در اسلام: مطالعه فقهی - تاریخی حل منازعات. *دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق*. ۱ (۱)، ۸-۲۳. Doi: 10.71844/iwl.2024.1193274

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granded to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – acsses article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. **Publisher: Islamic Azad University of Najafabad.**

۱. مقدمه

در طول تاریخ نظاره گر منازعات فراوانی بین حکومت‌های اسلامی با غیر اسلامی بوده‌ایم. هر کدام از سردمداران حکومتهای اسلامی روشی‌هایی را برای حل منازعات بین المللی انجام دادند. ما در این مقاله، به بررسی جامع و دقیق موضوعات مختلفی پرداخته‌ایم که هر یک از آن‌ها نقش مهمی در فهم بهتر روابط بین‌المللی، حقوق بشر و اصول اسلامی دارند. از جمله این موضوعات می‌توان به حل و فصل منازعات به روش‌های مسالمت‌آمیز، نقش جامعه میثاق ملل و سازمان ملل متحد در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، و استراتژی‌ها و دیپلماسی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در روابط با حکومت‌های دیگر اشاره کرد.

این مقاله نشان‌دهنده اهمیت صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام و حقوق بین‌الملل است. اسلام به عنوان دینی که بر پایه عدالت، رحمت و همزیستی بنا شده، همواره به پیروان خود توصیه می‌کند که در روابط خود با دیگران از صلح و دوستی پیروی کنند. این اصول نشان‌دهنده تعهد به حفظ صلح و امنیت در جامعه و روابط بین‌المللی است. همچنین، این دیدگاه به انسان‌ها یادآوری می‌کند که در مواجهه با اختلافات و چالش‌ها، می‌توان با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و حقوقی، به جای خشونت و جنگ، به راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز دست یافت[۱]. در این مقاله، نمونه‌هایی از حل اختلافات به روش‌های صلح‌آمیز در عصر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز مورد بررسی قرار گرفته است. این نمونه‌ها نشان‌دهنده تلاش‌های پیامبر برای حل اختلافات به روش‌های صلح‌آمیز و از طریق مذاکره و دیپلماسی است. همچنین، به نقش جامعه میثاق ملل و سازمان ملل متحد در ایجاد بسترهای مناسب برای مذاکره و میانجی‌گری بین کشورها اشاره شده است. در نهایت، در این مقاله به بررسی تضاد فرهنگ فتوحات با هدف بعثت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و اهمیت صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام پرداخته‌ایم. این بررسی‌ها نشان‌دهنده تعهد اسلام به حفظ صلح و امنیت در جامعه و روابط بین‌المللی است و می‌تواند به تقویت روابط انسانی و ایجاد جهانی بهتر و عادلانه‌تر کمک کند. راهبرد دیپلماتیک اسلام برای حل منازعات و دستیابی به صلح چیست؟

۲. حل و فصل منازعه

تعاریف و تعابیر مختلفی از مفهوم حل و فصل منازعه مطرح شده است. دو دیدگاه در این رابطه وجود دارد: ۱- حل و فصل منازعه به معنای استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز و دیپلماتیک برای پایان دادن به اختلافات و جلوگیری از تشدید آن‌ها است. این روش‌ها شامل مذاکره، میانجی‌گری، سازش، داوری و مراجعه به نهادهای بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری می‌شود. هدف اصلی این روش‌ها حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری از وقوع جنگ و خشونت است. استفاده از این روش‌ها نشان‌دهنده تعهد کشورها به اصول حقوق بین‌الملل و احترام به حاکمیت ملی است.

۲- همراه با خشونت به معنای استفاده از تهدید، زور و خشونت برای حل و فصل منازعات است که معمولاً منجر به تشدید تنش‌ها و افزایش خسارات جانی و مالی می‌شود. در مقابل، بحث بدون خشونت به معنای استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و مسالمت‌آمیز مانند مذاکره، میانجی‌گری و داوری برای حل و فصل منازعات است که به حفظ صلح و امنیت کمک می‌کند و معمولاً نتایج پایدارتری دارند. استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز نشان‌دهنده تعهد به اصول حقوق بین‌الملل و احترام به حاکمیت ملی است.

۲-۱- حل و فصل منازعات در قرآن

آیات ۵۹ تا ۶۵ سوره نساء یکی از روشن‌ترین مستندات وجوب رجوع به حاکم مشروع الهی به هنگام تنازع است. قرآن در این آیات، ابتدا می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است[۲].

---

۱. جایگاه دیپلماسی فرهنگی در صلح سازی و حل و فصل منازعات بین المللی، باقر رستاخیزباغان

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّـهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّـهِ وَالرَّسُولِ

از «فَإِن تَنَازَعْتُمْ» معلوم می‌شود که موضوع این آیه تنازع است نه تفاوت. می‌فرماید: اگر درباره چیزی نزاع پیدا کردید، برای حل آن به خدا و پیامبر مراجعه کنید؛ نه اینکه درباره هرچه تفاوت نظر داشتید، فکر خود را تعطیل و تحلیل خود را کنار بگذارید و ببینید آنها چه می‌گویند. حاکم مسئول جلوگیری از تنازع و حفظ اتحاد و انسجام عملی جامعه است نه مسئول یکسان سازی اجباری افکار و سلیقه‌ها. تنازع‌های احتمالی در جامعه اسلامی بر دو نوع است؛ گاهی راجع به احکام شرع است و گاهی راجع به موضوعات روزمره اجتماعی. گاهی مثلاً نمی‌دانند که فلان چیز حلال است یا حرام؟ جهاد با بغات واجب است یا نه؟ گاهی هم مثلاً نمی‌دانند که فلان گروه یاغی محسوب می‌شوند یا نه؟ یا قتال با فلان گروه یاغی در این زمان واجب است یا نه؟ برای دفع تنازع نوع نخست باید به خدا مراجعه و از امر او اطاعت کرد، و برای دفع تنازع نوع دوم به رسول و اولوالامر که از جانب خدا مسئول اداره جامعه هستند. دلیل تکرار امر به اطاعت نیز همین است. قرآن ابتدا دستور می‌دهد که مدعیان ایمان باید اطاعت از هر دو نوع حکم را بر خود واجب بدانند. سپس به این پرسش احتمالی پاسخ می‌دهد که اگر در خود این احکام تنازع شد، چه باید کرد؟ می‌فرماید: و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید؛ پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید[1] مراجعه به خدا، یعنی مراجعه به کتاب خدا و مفسران رسمی آن که باز هم رسول و اولواالامر خواهند بود. سپس با لحن تهدیدآمیزی می‌افزاید: اگر واقعاً ایمان به خدا و قیامت دارید وظیفه شما این است و عمل به این فرمول نیز به سود خود شماست. قرآن دستور می‌دهد: به هنگام پیدایش تنازع به کسی مراجعه کنید که حجت خدا بر شماست؛ و نه هیچ کس دیگری! زیرا هر کس دیگری جز او طاغوت است. لذا در آیه بعد می‌فرماید:«آیا به کسانی که گمان می‌کنند به آنچه بر تو و پیش از تو نازل شده ایمان آورده‌اند، ننگریستی که می‌خواهند در موارد نزاع و اختلافشان داوری و محاکمه نزد طاغوت برند؟«یعنی آنان که به هنگام تنازع رو به غیر حجت خدا می‌آورند، «خیال می‌کنند» که ایمان دارند آنها ادعا می‌کنند که ایمان آورده‌اند،[2] ولذا در آیات بعد چنین کسانی را منافق می‌نامند و در پایان تصریح می‌کند که وجوب ارجاع تنازع به مرجعی که مقرر شده، مقتضا و نشانه ایمان واقعی است: ولی چنین نیست، به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند، مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند؛ سپس از حکمی که کرده‌ای در دلهایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند، و کاملاً سرِ تسلیم فرود آورند.[3]

۳. دیپلماسی

دیپلماسی به دو معنی کلّی اطلاق می‌شود. معنی اول دیپلماسی به معنی خطمشی یا سیاستهای یک کشور در قبال مسائل سیاسی بین المللی اعم از کشورهای خارجی یا مناطق مختلف یا پیمانهای بین المللی اعم از جهانی یا منطقه‌ای بکار برده می‌شود. معنی دوم به مفهومدهنر یا فن مذاکره جهت رسیدن به تفاهم مشترک در عرصهٔ بین المللی می‌باشد. به هر تقدیر دیپلماسی در هر دو معنی در برقراری ارتباط مفهوم پیدا می‌کند در طول تاریخ، حکومت اسلامی واقعی تنها در صدر اسلام و دوران امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) وجود داشته و سایر حکومت‌ها به نام اسلام تفاوت زیادی با حکومت واقعی اسلام داشته‌اند.[4]

دیپلماسی، به عنوان عملی پر اصول، نحوه برقراری روابط بین‌المللی و رهبری دیپلماسی را شامل می‌شود. دیپلماسی اسلامی و دیپلماسی متداول تفاوت‌هایی در بیان و ویژگی‌ها دارند. هدف اصلی دیپلماسی، کسب امنیت و منفعت است که در نظریات علوم سیاسی به مفهوم خودبقا و حفظ وجود خود تعبیر می‌شود. امنیت می‌تواند شامل حفظ وضع فعلی، آینده‌نگری، ترس از دست دادن متصرفات و ترس از تجاوز باشد. کسب منافع نیز شامل منافع ناشی از روابط سیاسی و اقتصادی و یا افزایش اعتبار بین‌المللی و ثبات سیاسی و اقتصادی است. بازگشت همه انسان‌ها به خداوند است و اختلافات بین امت‌ها برای امتحان آن‌هاست. هر امتی آئینی دارد و پیامبر اسلام به هدایت مستقیم دعوت می‌کند. هدف دیپلماسی اسلامی، اشاعه تعالی انسانی از طریق تعالیم الهی است. پیامبر اسلام مأمور است تا کلام خدا را به مشرکان برساند و آن‌ها را به مکان امنی هدایت کند تا از این طریق به راه خدا نزدیک شوند. این روش نشان‌دهنده هدف دیپلماسی اسلام و نحوه برقراری ارتباط در اسلام است.

---

۱. فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِی شَیْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّـهِ وَالرَّسُولِ» .

۲. یَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا

۳. فَلَا وَرَبِّکَ لَا یُؤْمِنُونَ حَتَّى یُحَکِّمُوکَ فِیمَا شَجَرَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ لَا یَجِدُوا فِی أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَیْتَ وَیُسَلِّمُوا تَسْلِیمًا

۴. خلاصه اصول روابط بین الملل در اسلام از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی (حقوق بین الملل عمومی، سیاست خارجی و دیپلماسی)، بیژن بیدآباد

۴. جنگ، حقوق بین الملل و اسلام

اسلام و حقوق بین‌الملل هر دو به موضوع جنگ پرداخته‌اند، اما با رویکردهای متفاوت. در اسلام، جنگ تنها در شرایط خاصی مجاز است و اصول و قواعد دقیقی برای آن وجود دارد. به عنوان مثال، جنگ در اسلام برای دفاع از دین، مسلمانان و ملل مظلوم تجویز شده است . همچنین، صلح حالت اصلی است و جنگ تنها در موارد اضطراری برای دفع خطر خارجی و رهانیدن انسان‌ها از بند اسارت استفاده می‌شود. از سوی دیگر، حقوق بین‌الملل نیز به تنظیم جنگ و مخاصمات مسلحانه پرداخته و تلاش می‌کند تا با وضع قوانین و مقررات، از وقوع جنگ‌های غیرضروری جلوگیری کند و حقوق غیرنظامیان و نظامیان را در زمان جنگ حفظ نماید. فقه اسلامی و حقوق بشردوستانه هر دو به موضوع جنگ پرداخته‌اند و اصول و قواعدی را برای آن تعیین کرده‌اند. در اینجا به برخی از مهم‌ترین اصول و قواعد فقه اسلامی در مورد حقوق جنگ و حقوق بشردوستانه اشاره می‌کنم:

- حقوق بشردوستانه و اصول فقه اسلامی در مورد حقوق جنگ

جنگ در اسلام تنها برای دفاع از خود، دین و مظلومان مجاز است. کشتن غیرنظامیان و تخریب بی‌مورد ممنوع است. با اسیران جنگی باید به صورت انسانی رفتار شود و حقوق آن‌ها رعایت گردد.حتی در زمان جنگ، دعوت به صلح و پایان دادن به مخاصمات توصیه می‌شود. همانند حقوق بین‌الملل، فقه اسلامی نیز بر حفظ جان و مال غیرنظامیان تأکید دارد.استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و غیرانسانی ممنوع است.حتی در جنگ، باید با دشمنان به صورت انسانی و با رعایت اصول اخلاقی رفتار شود. بسیاری از اصول و قواعدی که در حقوق بشردوستانه بین‌المللی وجود دارد، در فقه اسلامی نیز به صورت مشابه یا حتی دقیق‌تر مطرح شده است. به عنوان مثال، حفظ جان غیرنظامیان و رفتار انسانی با اسرا از جمله مواردی است که در هر دو نظام حقوقی به آن توجه شده است. این اصول نشان‌دهنده تأکید اسلام بر حفظ کرامت انسانی و رعایت حقوق بشر حتی در زمان جنگ است.

- اصول حقوق بین‌الملل در مورد جنگ

حقوق بین‌الملل تجاوز به کشورهای دیگر را ممنوع می‌کند.قوانین بین‌المللی مانند کنوانسیون ژنو، حقوق غیرنظامیان را در زمان جنگ تضمین می‌کند. استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و غیرانسانی در کنوانسیون ژنو و قوانین بین المللی ممنوع است.

- تلفیق این دو دیدگاه

تلفیق این دو دیدگاه می‌تواند به ایجاد یک چارچوب اخلاقی و قانونی کمک کند که هم به اصول دینی احترام بگذارد و هم به قوانین بین‌المللی پایبند باشد. این تلفیق می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

تأکید بر دفاع مشروع: هر دو دیدگاه بر مشروعیت دفاع از خود تأکید دارند.

حفظ جان و کرامت انسانی: احترام به جان و کرامت انسانی در هر دو دیدگاه مهم است.

دعوت به صلح و مذاکره: هر دو دیدگاه به اهمیت صلح و مذاکره برای حل و فصل مخاصمات اشاره دارند.

جنگ یا صلح از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل

در اسلام، تأکید اصلی بر صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است، اما جنگ نیز در شرایط خاصی مجاز است. اصول کلی در این زمینه شامل موارد زیر است: جنگ در اسلام تنها برای دفاع از دین، جان و مال مسلمانان و مظلومان مجاز است و هدف اصلی آن برقراری عدالت و دفع ظلم است. اسلام همواره به صلح و آرامش دعوت می‌کند و نمونه بارز این رویکرد، صلح حدیبیه است. اسلام تاکید بر رفتار انسانی با دشمنان و اسرا داشته است،حفظ جان و مال غیرنظامیان و رفتار انسانی با اسرا در اسلام تأکید شده است. و اما اسلام محدودیت‌های برای استفاده از سلاح‌ها دارد. استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و غیرانسانی در اسلام ممنوع است. دین مبین اسلام همیشه تأکید بر عدالت و رحمت دارد. جنگ در اسلام همواره با هدف برقراری عدالت و رفع موانع دعوت به اسلام انجام می‌شود.

قرآن کریم به موضوعات جنگ و صلح در آیات مختلفی پرداخته است. برخی از این آیات به شرح زیر هستند:

سوره بقره، آیه[۱] ۱۹۰: این آیه به مسلمانان دستور می‌دهد که در راه خدا با کسانی که با آن‌ها می‌جنگند، بجنگند و از حد تجاوز نکنند. سوره توبه، آیه ۵:[۲] این آیه به شرایط خاصی اشاره دارد که در آن مسلمانان مجاز به جنگ با مشرکان هستند. این آیات نشانگر شرایطی خاص و استراتژی هست که مسلمانان را برای دفاع از کسانی که درحال تجاوز هستند دعوت می‌کند. سوره انفال، آیه ۶۱:[۳] این آیه به مسلمانان توصیه می‌کند که اگر دشمنان به صلح تمایل نشان دادند، آن‌ها نیز به صلح گرایش پیدا کنند و به خدا توکل کنند. سوره نساء، آیه ۹۰:[۴] این آیه به شرایطی اشاره دارد که در آن مسلمانان نباید با کسانی که به صلح تمایل دارند، بجنگند. این آیات نشان‌دهنده تأکید قرآن بر رعایت اصول اخلاقی و انسانی حتی در زمان جنگ و همچنین تمایل به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است.

مقایسه با حقوق بین‌الملل:

منشأ و مبنا آموزه‌های جنگ در اسلام بر اساس متون دینی استوار است، در حالی که حقوق بین‌الملل بر اساس توافقات و معاهدات بین‌المللی شکل گرفته است. هر دو جنگ را تنها در موارد دفاع مشروع مجاز می‌دانند، اما اسلام جنگ را فقط در زمانی که دست آویز دیگری برای صلح و امنیت وجود ندارد قرارداده است.ولی حقوق بین‌الملل تأکید بیشتری بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دارد. هر دو بر حمایت از غیرنظامیان و رفتار انسانی با اسرا تأکید دارند.هر دو محدودیت‌های مشابهی در استفاده از سلاح‌ها و روش‌های جنگی اعمال می‌کنند. هر دو بر اهمیت صلح و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات تأکید دارند. دعوت به صلح حتی در زمان جنگ مورد توجه است و جنگ تنها در مواقع اضطراری مجاز است.

جنگ و صلح در اسلام هر دو اهمیت ویژه‌ای دارند، اما تأکید اصلی بر برقراری صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است. پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) جنگ را تنها به عنوان اقدامی دفاعی و نه تهاجمی مجاز می‌دانستند و هدف ایشان حفظ جامعه مسلمانان و برقراری عدالت اجتماعی بود. دعوت به صلح و شکل‌گیری صلح حدیبیه، نمونه‌ای از این رویکرد مسالمت‌آمیز اوست. رفتار انسانی با دشمنان و اسیران جنگی از دیگر اصول پیامبر بود. ایشان بر حفظ حقوق اسیران و رفتار نیکو با آن‌ها تأکید داشتند. همچنین، حفظ جان و مال غیرنظامیان در جنگ برای ایشان اهمیت بسیاری داشت و از کشتن غیرنظامیان جلوگیری می‌کردند. جنگ‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) همواره با هدف برقراری عدالت و مهرورزی صورت می‌گرفت و همواره مبتنی بر اصول اخلاقی و انسانی بود. قرآن کریم نیز بر اهمیت صلح تأکید دارد و آیات متعددی از جمله آیه ۶۱ سوره انفال و آیه ۲۰۸ سوره بقره بر دعوت به صلح و آشتی تأکید می‌کنند. سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در دعوت به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز موجب تحکیم امنیت و گسترش دعوت اسلامی گردید. در نهایت، جنگ در اسلام تنها در شرایط خاص و به عنوان آخرین راه‌حل مجاز بوده و همواره باید از اصول انسانی و اخلاقی پیروی کند. اصولی که نشان‌دهنده تأکید اسلام بر حقوق انسانی و دینی حتی در زمان جنگ است. جنگ تنها به عنوان یک اقدام دفاعی مجاز است و کشتن غیرنظامیان و تخریب بی‌مورد به شدت ممنوع است. با اسیران جنگی باید به شیوه‌ای انسانی رفتار شود. آموزه‌های اسلامی، ضمن تأکید بر شرایط جنگ، بر اهمیت صلح نیز تأکید دارند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امیرالمومنین (علیه السلام) در احادیث خود به اهمیت جهاد و دفاع از حقوق افراد اشاره کرده‌اند.

در اسلام و حقوق بین‌الملل، دو دیدگاه اصلی در مورد روابط بین‌المللی وجود دارد:

---

۱. " وَ قاتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ الَّذِینَ یُقاتِلُونَکُمْ وَلا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ"

۲. " فَإِذَا انسَلَخَ الأَشْهُرُ الحُرُمُ فَاقْتُلُوا المُشرِکِینَ حَیثُ وَجَدتُّمُوهُم وَخُذُوهُم وَاحصُرُوهُم وَاقعُدُوا لَهُم کُلَّ مَرصَدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلاةَ وَآتَوُا الزَّکَاةَ فَخَلُّوا سَبِیلَهُم إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ"

۳. " وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَکَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ"

۴. "إِلَّا الَّذِینَ یَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَیْنَکُمْ وَبَیْنَهُمْ مِیثَاقٌ أَوْ جَاءُوکُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ یُقَاتِلُوکُمْ أَوْ یُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَیْکُمْ فَلَقَاتَلُوکُمْ فَإِنِ اعْتَزَلُوکُمْ فَلَمْ یُقَاتِلُوکُمْ وَأَلْقَوْا إِلَیْکُمُ السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَکُمْ عَلَیْهِمْ سَبِیلًا"

دیدگاه اول: اصل رابطه بر جنگ است: این دیدگاه معتقد است که جنگ و جهاد در اسلام برای دفاع از دین، مسلمانان و ملل مظلوم ضروری است. در این دیدگاه، جنگ به عنوان یک ابزار برای مقابله با ظلم و تجاوز و دفاع از حقوق مشروع شناخته می‌شود.

دیدگاه دوم: اصل رابطه بر صلح است: این دیدگاه بر این باور است که صلح و آرامش اصل اولیه در روابط بین‌المللی اسلام است. بر اساس این دیدگاه، اسلام به دنبال برقراری صلح و دعوت به توحید و عدالت است و جنگ تنها در شرایط اضطراری و برای دفاع از حقوق مشروع مجاز است.

در مجموع، اصل رابطه بر صلح در اسلام و حقوق بین‌الملل اولویت دارد. اسلام به عنوان دینی که بر پایه عدالت و رحمت بنا شده، همواره به دنبال برقراری صلح و آرامش است و جنگ را تنها در شرایط خاص و به عنوان آخرین راه‌حل می‌پذیرد.

به عنوان مثال امیرمؤمنان (علیه السّلام) برای عدم حضور خود در فتوحات به ظاهر اسلامی دلایل فراوانی داشت که هر یک در جای خود قابل بررسی است، اما تأمل در همین یک سخن آن حضرت، خصوصاً در نخستین جمله آن گویای بسیاری از حقایق است؛ امیرمؤمنان (علیه السّلام) می‌فرماید: «مسلمان نباید در رکاب کسی که به حکم خدا ایمان ندارد و دستور خداوند را درباره غنایم جنگی اجرا نمی‌کند، جهاد کند. اگر در چنین جهادی کشته شود، دشمن ما را در غصب حقوق ما و ریختن خون ما یاری نموده و مرگ او همانند مرگ دوران جاهلیت است.» (الخصال،۱۳۸۹، ۶۲۵)

الف) تضاد فرهنگ فتوحات با هدف بعثت پیامبران؛تضاد فرهنگ فتوحات با هدف بعثت پیامبر اسلام (ص) در این است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) برای هدایت و نجات انسان‌ها از جهل و ظلمت به سوی نور و عدالت مبعوث شد. هدف اصلی بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ترویج توحید، اخلاق، عدالت و صلح بود. در حالی که فرهنگ فتوحات به معنای جنگ و تسخیر سرزمین‌ها و گسترش قلمرو به وسیله زور و خشونت است. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) همواره تلاش می‌کرد تا با استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز و دعوت به اسلام، مردم را به سوی حق و حقیقت هدایت کند. او با ارسال نامه‌ها و فرستادگان به پادشاهان و رهبران دیگر کشورها، آن‌ها را به اسلام دعوت می‌کرد و از جنگ و خشونت پرهیز می‌نمود. این رویکرد پیامبر (صلی الله علیه و آله) نشان‌دهنده تعهد او به اصول صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز بود. بنابراین، تضاد بین فرهنگ فتوحات و هدف بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در این است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای ترویج صلح و عدالت مبعوث شد، در حالی که فتوحات به معنای جنگ و خشونت است. سیره پیامبران الهی گواهی می‌دهد که آنان برای رهانیدن انسان‌ها از تاریکی‌ها، گمراهی‌ها و احیای مظاهر الهی و انسانی مبعوث شده‌اند. در هیچ یک از آیات قرآنی در توصیف پیامبران به ویژه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سخن از کشورگشایی آنان نیست و در هیچ روایت و حدیثی، کشورگشایی‌ها را که لازمه آن جنگ‌های سخت و خونریزی‌های فراوان است از فضایل رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نشمرده و مثلاً نفرموده: «إنّا أرسلناک فاتحا للبلدان» (ما تو را برای کشورگشایی فرستادیم) بلکه بالعکس در قرآن کریم می‌فرماید: «ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم» (انبیاء:۱۰۷)[1] و یا می‌فرماید:«ای پیامبر! ما تو را گواه، بشارت دهنده و انذار کننده فرستادیم! و تو را دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او قرار دادیم، و چراغی فروزان و روشن‌بخش!» (احزاب:۴۶)[2] در حالی که هدف از بعثت پیامبران، گسترش عدالت اجتماعی و تربیت معنوی مردم بود، نه تأسیس امپراطوری و ساختن کاخ‌های سبز در سایه فتوحات؛ چنان که شهید مرتضی مطهری در این باره می‌نویسد: «پیامبر (صلی الله علیه و آله) اصلا وصیت نکرد که پس از من فتوحات کنید با آن که انواع وصیّت‌ها کرد... .»

ب) لزوم دفاعی بودن سیاست نظامی جامعه اسلامی؛

ج) عدم برابری آمار کشتگان دشمنان در غزوات پیامبر(صلی الله علیه و آله) و فتوحات؛

د) اجباری نبودن پذیرش دین و مخالفت با اسلام اجباری؛

---

۱. وَما اَرْسَلْناکَ اِلّا رَحْمَةً لِلعالَمینَ

۲. یا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِنّا أَرْسَلْناکَ شاهِداً وَ مُبَشِّراً وَ نَذِیراً * وَ داعِیاً إِلَی اللهِ بِإِذْنِهِ وَ سِراجاً مُنِیراً

اختلاف سیاسی در مسئله حکومت باعث شد که بجز مدتی محدود، خلافت در دست کسانی باشد که آن را به نوعی ملک و سلطنت می‌پنداشتند و مسئله حفظ قوانین اسلام کمتر بر ایشان مطرح بود. از نخستین روزهای تشکیل دولت پیامبر(صلی الله علیه وآله) به هر حال به دیپلماسی اسلام به دلیل داشتن اهدافی، چون نشر الدعوه الاسلامیه، تبادل الفداء الاسری، تحقیق و تفحص درمورد علاقه‌های مشترک، تحکیم وگسترش روابط فرهنگی و تجاری توجه شده است. این دیپلماسی از نظر اهداف در طول تاریخ متحول و دگرگون شده است. دیپلماسی در آغاز اسلام نقش بسیار مهمی در گسترش و تثبیت دین اسلام داشت. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) با استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز و مذاکره، توانست روابط بین‌المللی و داخلی را بهبود بخشد و اهداف اسلامی را پیش ببرد. عمدتا برای نشر دعوت دینی به کار می‌رفت که از طریق مذاکره جهت انعقاد صلح، دفاع از اسلام و توسعه تعالیم دینی دنبال می‌شد. یکی از مهم‌ترین اقدامات دیپلماتیک پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ارسال نامه‌ها و سفیران به پادشاهان و رهبران بزرگ آن زمان بود. به عنوان مثال، نامه‌ای به هرقل، امپراتور روم شرقی، و کسری، پادشاه ایران، ارسال شد که در آن‌ها به اسلام دعوت شده بودند. این نامه‌ها نشان‌دهنده تلاش پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای برقراری روابط دوستانه و معرفی اسلام به جهان بود.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) همچنین با قبایل مختلف عربستان پیمان‌های صلح و همکاری منعقد کرد. یکی از معروف‌ترین این پیمان‌ها، پیمان حدیبیه بود که بین مسلمانان و قریش بسته شد و به مدت ده سال صلح و آرامش را در منطقه برقرار کرد . این پیمان به مسلمانان فرصت داد تا بدون نگرانی از جنگ، به تبلیغ و گسترش اسلام بپردازند.

از لحاظ تاریخی، پیامبر (صلی الله علیه و آله) در برخورد با یهودیان مدینه نیز از دیپلماسی استفاده کرد. او با آن‌ها پیمان‌هایی بست که به موجب آن‌ها یهودیان می‌توانستند در مدینه زندگی کنند و از حمایت مسلمانان برخوردار باشند، به شرطی که به دشمنان اسلام کمک نکنند .

در قرآن نیز به اصول دیپلماسی اشاره شده است. به عنوان مثال، در آیه ۶۱ سوره انفال آمده است: "وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ" (و اگر به صلح گراییدند، تو نیز به آن گرای و بر خدا توکل کن). این آیه نشان‌دهنده اهمیت صلح و مذاکره در اسلام است.

در نهایت، دیپلماسی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر پایه اصول اخلاقی و انسانی بود. او همواره به وفای به عهد و احترام به قراردادها تأکید داشت. در سوره بقره، آیه ۱۷۷ آمده است: "وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا" (و کسانی که به عهد خود وفا می‌کنند هنگامی که عهد بستند). این آیه نشان‌دهنده اهمیت وفای به عهد در اسلام است.

البته لازم به ذکر است که: به آنان که بخاطر آثار تخریبی جنگ، از جنگهای اسلامی انتقاد می‌کنند و می‌گویند: دین باید طرفدار صلح باشد. باید گفت که دین طرفدار صلح است و قرآن به آن اشاره دارد: «والصلح خیر» یعنی صلح بهتر است و همچنین قرآن رسیدن به اهداف خود را از طریق صلح نزدیکتر و معقول‌تر می‌داند؛ همچون صلح حدیبیه که در سال ششم هجری با مشرکین مکه منعقد شده، از این رو درباره صلح این چنین تاکید می‌کند: بگو ای اهل کتاب! بیایید بر سر سخنی که بین ما و شما یکسان است، گردهم آییم! (آل عمران/۶۴)[1]

اما اسلام ناگزیر است که در پاره‌ای از مواقع، طرفدار جنگ هم باشد؛ یعنی در آنجایی که طرف مقابل حاضر به همزیستی شرافتمندانه نیست و با ظلم و تجاوز می‌خواهد به شکلی، شرافت انسانی را پایمال کند- در چنین شرایطی- تسلیم شدن جائز نیست. دیدگاه سیاسی اسلام در این گونه موارد عبارتند از: صلح در صورتی که طرف مقابل آماده و موافق با صلح باشد و جنگ در صورتی که طرف می‌خواهد بجنگد. و ما در تاریخ حیات سیاسی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هر دو صحنه را مشاهده می‌کنیم با این وضع در دوران حیات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و در مجموع جنگ‌های ده ساله اسلام، تلفات هر دو طرف به هزارو پانصد نفر نیز نمی‌رسد. تاریخ نویسان در بیان تعداد غزوه و سریه غلو کرده و هر حرکت نظامی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را با عنوان غزوه و سریه، جنگ نامیده و تعداد آنها را بیشتر نشان داده‌اند، در صورتی که جنگ‌ها، عملیات شناسایی یا مانور بوده است.

---

۱. قُل یا أهلَ الکِتابِ تَعالَوا إلی کَلِمَةٍ سَواءٍ بَینَنا وَ بَینَکُم

هیچ کس را آنچنانکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از جنگ گریزان و بیشتر طرفدار صلح و گذشت و اغماض بوده است نمی‌توان یافت؛ به طوری که با اهل مکه در حدیبیه پیمان بست، و در همین راستا بود که فتح مکه را بدون خونریزی به پایان رساند و پس از پیروزی، آنان را مورد عفو قرار داد. و این است که در مبانی تفکر سیاسی قرآن، شاخص‌هایی همچون: صلح‌گرایی، حل مسالمت آمیز منازعات و اختلافها، پاسداری از امنیت، قبول پناهندگی و احترام به روابط قراردادی را به کرات مشاهده می‌کنیم.

اسلام به دنبال ایجاد صلح پایدار از طریق از بین بردن عوامل جنگ است. انسان‌ها به طور طبیعی به صلح علاقه دارند، اما غرایز قدرت‌طلبی گاهی این تمایل را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و به جنگ منجر می‌شود. اسلام در روابط خارجی خود نه جنگ را اصل می‌داند و نه صلح همیشگی را، بلکه هر دو را به عنوان واقعیت‌های تاریخی می‌پذیرد. با این حال، اسلام با توجه به رسالت جهانی خود، اصل را بر صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز قرار می‌دهد.

صلح پایدار در اسلام بر پایه عدالت اجتماعی استوار است و ظلم و نابرابری را به عنوان عوامل تهدیدکننده می‌شناسد. برای رسیدن به صلح عادلانه، اسلام مبارزه با ظلم را تجویز می‌کند. صلح و رابطه مسالمت‌آمیز از اصول اساسی شریعت اسلام است. اسلام به عنوان دینی که بر پایه عدالت، رحمت و همزیستی مسالمت‌آمیز بنا شده، همواره به پیروان خود توصیه می‌کند که در روابط خود با دیگران از صلح و دوستی پیروی کنند. قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام (ص) بر اهمیت صلح و جلوگیری از خشونت تأکید دارند. در قرآن آمده است که خداوند صلح را دوست دارد و مسلمانان را به صلح و آشتی دعوت می‌کند. پیامبر اسلام نیز در طول زندگی خود همواره تلاش می‌کرد تا با دشمنان و مخالفان خود به صورت مسالمت‌آمیز برخورد کند و از جنگ و خشونت پرهیز نماید. این اصول نشان‌دهنده تعهد اسلام به حفظ صلح و امنیت در جامعه و روابط بین‌المللی است. و البته قابل ذکر است که صلح در پرتو عدالت استقرار می‌یابد و تثبیت عدالت نیازمند ظلم‌زدایی است که خود مستلزم جهاد اسلامی است.

این دیدگاه به انسان‌ها می‌آموزد که صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز از ارزش‌های اساسی و بنیادین در زندگی اجتماعی و بین‌المللی است. اسلام به عنوان دینی که بر پایه عدالت، رحمت و همزیستی بنا شده، به پیروان خود توصیه می‌کند که در روابط خود با دیگران از صلح و دوستی پیروی کنند. این اصول نشان‌دهنده تعهد به حفظ صلح و امنیت در جامعه و روابط بین‌المللی است. همچنین، این دیدگاه به انسان‌ها یادآوری می‌کند که در مواجهه با اختلافات و چالش‌ها، می‌توان با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و حقوقی، به جای خشونت و جنگ، به راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز دست یافت. این آموزه‌ها می‌توانند به تقویت روابط انسانی و ایجاد جهانی بهتر و عادلانه‌تر کمک کنند.[1]

۵. سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با دولت‌های دیگر

دعوت، اولین استراتژی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در دیپلماسی[2] بود و این امر متناسب با شرایط زمان و مکان صورت می‌گرفت. برای اثبات این مدعا می‌توان شیوه دعوت پیامبر را از ابتدای بعثت که با دعوت سری آغاز گردید و آن‌گاه موظف به تبلیغ دین اسلام در میان اقوام و خویشاوندان خویش گردید و بعد از آن، دعوت عمومی و آشکار، آغاز گردید، ذکر نمود. شیوه آن حضرت در استراتژی دعوت شامل تقدم دعوت بر جنگ، انعطاف و استفاده از نقاط اشتراک است.

در دیپلماسی پیامبر، دعوت نسبت به سایر امور در اولویت قرار داشت؛ چرا که دعوت از چنان اهمیتی برخوردار بود که پیامبر حتی در جنگ‌ها، ابتدا به دعوت می‌پرداخت و این امر حتی شامل افرادی که پیامبر قبلاً آنان را دعوت کرده بود، نیز می‌گردید. در حوزه سیاست خارجی رفتار سیاسی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، مبتنی بر دعوت بود. پیامبر اسلام، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، در روابط خود با حکومت‌های دیگر نه تنها از استراتژی‌ها و دیپلماسی‌های مختلف استفاده می‌کرد، بلکه با رفعت و انعطاف‌پذیری نیز برخورد می‌کرد.

---

۱. دیپلماسی پیامبر(ص) و ابزارهای توسعه روابط بین الملل با سایر دولت‌ها، احمد رضا خزائی

۲. دیپلماسی به معنای به کارگیری شیوه‌های مسالمت آمیز و استفاده از مذاکره و گفت و گو برای ختم جنگ، اعاده صلح، تامین صلح و تامین اهداف است که به حکومت پیامبر اکرم (صلی الله علیه آله) و نیز دوره‌های قبل از میلاد باز می‌گردد.

او همواره تلاش می‌کرد تا با نشان دادن مهربانی و گذشت، روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز را تقویت و عدالت را اجراء کنند.[۱] پیامبر در مواجهه با دشمنان و مخالفان خود، حتی در شرایط سخت، از خشونت و انتقام‌جویی پرهیز می‌کرد و به جای آن، به صلح و آشتی دعوت می‌کرد.

یکی از نمونه‌های بارز این رفعت و انعطاف‌پذیری، رفتار پیامبر با مردم مکه پس از فتح این شهر بود. او به جای مجازات و انتقام‌جویی، همه را بخشید و اعلام کرد که همه آزاد هستند. این رفتار پیامبر نشان‌دهنده عمق انسانیت و اخلاق والای او بود و باعث شد تا بسیاری از مردم به اسلام ایمان بیاورند.

این برخورد را خداوند، برای پیامبر یک رحمت الهی می‌داند؛ چنانکه می فرماید: «از پرتو رحمت الهی است که تو با آنان نرمش نمودی و اگر درشتخوی و سنگدل بودی، از پیرامون تو پراکنده می‌شدند؛ پس از آنان درگذر و برایشان طلب آمرزش نما و در کارها با آنان مشورت و رایزنی کن و هنگامی که تصمیم به انجام کاری گرفتی، بر خدا توکل کن؛ چرا که خدا توکل کنندگان را دوست می‌دارد.»[۲] این رویکرد پیامبر در روابط بین‌المللی نیز تاثیرگذار بود و باعث شد تا بسیاری از حکومت‌ها و قبایل با او و مسلمانان روابط دوستانه‌ای برقرار کنند. رفعت و انعطاف‌پذیری پیامبر در دیپلماسی و روابط بین‌المللی، الگویی برای رهبران و سیاستمداران در طول تاریخ بوده است. از حضرت علی (علیه السلام) نیز نقل شده است که فرمود: «پیامبر مرا به یمن فرستاد و فرمود: یا علی! با هیچ‌کسی جنگ مکن، مگر اینکه او را به اسلام دعوت کرده باشی.»

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمیز از نقاط مشترک برای ایجاد انگیزه در مخالفان به جهت مذاکره و توافق‌های اصولی و راضی نمودن آنان جهت مذاکرات صلح استفاده می‌نمود. در روابط و دیپلماسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با سران دولتهای دیگر استفاده از نقاط مشترک بین حکومت خویش و دولتهای دیگر به خوبی قابل مشاهده است مخصوصاً درنامه‌ها و پیام‌های آن حضرت به سران دولت‌ها دیگر، که به عنوان مثال نامه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به نجاشی و کسری را ذکر می‌کنیم؛ که در آن می‌فرمایند «به نام خداوند بخشنده مهربان. از محمد فرستاده خدا به کسری، بزرگ فارس. درود بر او باد که پیرو هدایت گر و به «الله» و فرستاده او ایمان آورد و به آنکه معبود (راستینی) جز «الله» نیست، که یگانه و بی نیاز است و آنکه محمد بنده و فرستاده اوست، گواهی دهد. من تو را به دعوت الهی فرا می‌خوانم؛ چرا که من فرستاده خدا به سوی جمله مردمانم. تا آنان را که زنده‌اند، هشدار دهم و تا حجت بر کافران تمام شود؛ پس اسلام آر تا در امان باشی و اگر سر برتابی، بی‌گمان گناه مجوسیان بر تو است.»[۳] همچنین پیامبر اکرم (صلی الله اعلیه و آله و سلم) در نامه خود به نجاشی، پادشاه حبشه فرمودند «به نام خداوند بخشنده مهربان. از محمد فرستاده خداوند، به نجاشی اصحم، پادشاه حبشه: در آشتی هستی، من همراه با تو، خداوندی را که معبود (راستینی) جز او نیست، خداوند فرمانروای پاک، بی‌عیب و نقص، ایمن دارنده (و) نگاهبان را می‌ستایم و گواهی می‌دهم که عیسی، فرزند مریم، روح خدا و کلمه اوست که خداوند آن را به سوی مریم عذرای پاک پاکدامن افکند، آن گاه او به عیسی بارور گشت و خداوند او را از روح و دمیدن خویش بیافرید، چنانکه آدم را با دست (قدرت) و دمیدن خویش، هستی بخشید. من تو را به خدای یگانه بی‌انباز و یاریگر بر فرمانبرداری از او و اینکه از من پیروی کنی و بدآنچه که به سوی من آمده است، باور داری، فرا می‌خوانم؛ چرا که من فرستاده خدا هستم و تو و سپاهیانت را به سوی خداوند فرا می‌خوانم. به راستی (دعوت الهی) را رساندم و پند دادم؛ پس اندرز مرا بپذیرید و درود بر کسی که پیرو هدایت گردد.» (منتظری، ج ۵، صص ۲۱۲-۲۲۰)[۴]

---

۱. درآمدی بر معنا و مفهوم صلح در روابط بین‌الملل؛رویکرد اسلام سیاسی فقاهتی، هادی آجیلی، علی اسمعیلی اردکانی،

۲. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّهِ إِنّ اللّهَ يُحِبّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران- ۱۵۹)

۳. «بسم الله الرحمن الرحيم. من محمد رسول الله، الى كسرى، عظيم فارس. سلام على من اتبع الهدى، و آمن بالله و رسله، و شهد ان لا اله الا الله وحده لا شريک له و ان محمد عبده و رسوله ادعوک بدعايه الله، فانى رسول الله الى الناس كافه؛ لانذر من كان حياً و يحق القول على الكافرين؛ فاسلم تسلم؛ فان ابيت فإن إثم المجوس عليک.»

۴. «بسم الله الرحمن الرحيم. من محمد، رسول الله، الى النجاشى الاصحم، ملک الحبشه، سلم انت، فانى احمد إليک الله الذى لا اله الا هو، الملک القدوس، السلام، المؤمن، المهيمن، و اشهد ان عيسى بن مريم روح الله و كلمته القاها الى مريم البتول الطيبه الحصينه، فحملت بعيسى، فخلقه الله من روحه و نفخه، كما خلق آدم بيده و نفخه. انى ادعوک الى الله وحده لا شريک له و الموالاه على اطاعته و أن تتبعنى و تؤمن بالذى جاءنى فإنى رسول الله. فانى أدعوک و جنودک الى الله، فقد بلغت و نصحت فاقبلوا نصحى و السلام على من اتبع الهدى.»

۶. استراتژی صلح

اساس اسلام در روابط خارجی بر صلح استوار است، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز صلح‌خواهی را به عنوان یک استراتژی مهم در روابط خارجی و بین‌المللی به کار بردند. روش آن حضرت در حوزه سیاست خارجی علاوه بر اینکه بر دعوت استوار بود، از سال ششم هجری، استراتژی صلح را نیز دنبال کردند که بارزترین آن، صلح حدیبیه بود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در جریان تشکیل حکومت به جریان عضویابی که یکی از مهم‌ترین ارکان در نظام اداری اسلام محسوب می‌گردید، نیز توجه کامل داشتند و در این راستا می‌توان منابع نیروی انسانی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را به این شرح دانست:

۱- منابع نژادی عرب و عجم

۲- منابع سرزمینی مانند: مکه، مدینه و یمن

۳- منابع قبیله‌ای مانند: قریش

۴- منابع ارزشی مانند: مهاجران، انصار، مجاهدان و تابعین

۵- منابع بومی

۶- منابع سرزمینی، اعتقادی مانند: دارالکفر و دارالاسلام

۷- منابع اعتقادی مانند: مسمانان، یهود و نصاری.

حل و فصل مسالمت آمیز منازعات بیشتر به حقوق بین الملل معاصر مربوط است. در زمان‌های گذشته دولت‌ها برای حل منازعاتشان به جنگ متوسل می شدند و تا مدت ها در حقوق بین الملل توسل به جنگ مجاز شمرده می شد. اما خسارت‌های بر جا مانده از جنگ باعث شد تا دولت‌ها برای حل و فصل منازعات بین المللی شان به شیوه‌های مسالمت آمیز متوسل شوند. از جمله این شیوه‌ها می‌توان به مذاکره مهمترین روش غیر حقوقی اشاره کرد و مساعی جمیله، میانجی گیری، کمیسیون‌های تحقیق، کمیسیون‌های سازش، و در روش‌های حقوقی به: داوری بین المللی، دادرسی یا فرآیند قضایی اشاره کرد. همچون اسلام حقوق بین‌الملل هم در کنفرانس‌های ۱۸۹۹، ۱۹۰۷ و همچنین در میثاق جامعه ملل پرداخته است. حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری از تجاوز و شیوه‌های حل و فصل مسالت آمیز منازعات و اختلافات بین المللی از جایگاه ویژه‌ای در میثاق جامعه ملل برخوردار است. جامعه میثاق ملل، که به عنوان جامعه ملل نیز شناخته می‌شود، پس از جنگ جهانی اول در سال ۱۹۲۰ تأسیس شد. هدف اصلی این سازمان حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری از وقوع جنگ‌های جدید بود. جامعه میثاق ملل تلاش می‌کرد تا با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و حقوقی، اختلافات بین کشورها را به صورت مسالمت‌آمیز حل کند. این سازمان شامل مجمع عمومی، شورای اجرایی و دبیرخانه بود و مقر آن در ژنو، سوئیس قرار داشت.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای جامعه میثاق ملل، ایجاد بسترهای مناسب برای مذاکره و میانجی‌گری بین کشورها بود. این سازمان همچنین به ترویج حقوق بشر و توسعه پایدار کمک می‌کرد. با این حال، جامعه میثاق ملل نتوانست جلوی وقوع جنگ جهانی دوم را بگیرد و در سال ۱۹۴۶ منحل شد. پس از انحلال جامعه میثاق ملل، سازمان ملل متحد به عنوان جانشین آن تأسیس شد تا اهداف مشابهی را دنبال کند. حل و فصل اختلافات به روش مسالمت‌آمیز در جامعه میثاق ملل به معنای استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و حقوقی برای جلوگیری از جنگ و خشونت است. این روش‌ها شامل مذاکره، میانجی‌گری، سازش، داوری و مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری می‌شود. هدف اصلی این روش‌ها حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. جامعه میثاق ملل، به عنوان یک سازمان بین‌المللی، تلاش می‌کند تا با ایجاد بسترهای مناسب برای گفتگو و همکاری، اختلافات بین کشورها را به صورت مسالمت‌آمیز حل کند. این سازمان همچنین به ترویج حقوق بشر و توسعه پایدار کمک می‌کند. استفاده از این روش‌ها نشان‌دهنده تعهد کشورها به اصول حقوق بین‌الملل و احترام به حاکمیت ملی است.

دو روش دیگر نیز در حقوق بین الملل وجود دارد که روش‌های جایگزین حل و فصل منازعات و اختلافات بین المللی نامیده می‌شود. یکی از این دو روش حسن نیت است. حسن نیت یکی از اصول پذیرفته شده در تمامی قراردادها است که باید در انعقاد، اجراء و حل و فصل منازعات و اختلافات مورد نظر قرار گیرد. اسلام در روابط بین‌الملل، اصل همزیستی مسالمت آمیز را به عنوان نخستین و مهمترین اصل حاکم، برای پیروان خود عرضه کرده است. این اصل در حقوق بین الملل معاصر نیز از اصول بنیادین به شمار می‌رود. اصل همزیستی مسالمت آمیز، نخستین اصل حقوقی در روابط بین الملل اسلامی است. اسلام هرگز این اصل را رها نکرده است، مگر زمانی که دستی به دشمنی و خصومت به سمتش دراز شود و مشکلات و کارشکنی‌ها، سر راهش را بگیرند، و عده‌ای از اشخاص بکوشند تا با زور وخشونت، مردم را از گرایش به آن پراکنند. منازعه و جنگ یک عارضه است که از انحراف‌های روانی و خارج شدن از مسیر عواطف بشری، بر می‌خیزد.

۷. نمونه‌هایی از حل اختلاف بصورت مسالمت آمیز:

در عصر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، چندین نمونه از حل اختلافات به روش صلح‌آمیز وجود دارد که نشان‌دهنده اهمیت صلح و دیپلماسی در اسلام است. در اینجا به چند نمونه اشاره می‌کنم:

صلح حدیبیه: یکی از معروف‌ترین نمونه‌ها، صلح حدیبیه است. در سال ششم هجری، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان برای انجام عمره به مکه رفتند، اما قریش مانع ورود آنها شدند. پس از مذاکرات طولانی، قراردادی به نام صلح حدیبیه بین مسلمانان و قریش منعقد شد که به مدت ده سال صلح و آتش‌بس را تضمین می‌کرد.

پیمان مدینه: پس از هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مدینه، ایشان پیمانی با قبایل یهودی و دیگر ساکنان مدینه منعقد کرد که به پیمان مدینه معروف است. این پیمان، اصول همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری بین مسلمانان و غیرمسلمانان را تعیین می‌کرد و به ایجاد یک جامعه متحد و صلح‌آمیز کمک کرد.

صلح با قبیله بنی‌ضمره: پیامبر (صلی الله علیه و آله) با قبیله بنی‌ضمره نیز پیمانی منعقد کرد که بر اساس آن، هر دو طرف متعهد شدند که به یکدیگر حمله نکنند و در صورت حمله از سوی دشمنان، به یکدیگر کمک کنند.

پیمان با قبیله بنی‌مدلج: پیامبر (صلی الله علیه و آله) با قبیله بنی‌مدلج نیز پیمانی منعقد کرد که بر اساس آن، هر دو طرف متعهد شدند که به یکدیگر حمله نکنند و در صورت نیاز به یکدیگر کمک کنند. این پیمان به تقویت روابط بین مسلمانان و قبایل اطراف مدینه کمک کرد.

صلح با قبیله بنی‌اشجع: پیامبر (صلی الله علیه و آله) با قبیله بنی‌اشجع نیز پیمانی منعقد کرد که بر اساس آن، هر دو طرف متعهد شدند که به یکدیگر حمله نکنند و در صورت نیاز به یکدیگر کمک کنند. این پیمان نیز به تقویت روابط بین مسلمانان و قبایل اطراف مدینه کمک کرد.

پیمان با قبیله بنی‌مصطلق: پس از یک درگیری کوتاه با قبیله بنی‌مصطلق، پیامبر (صلی الله علیه و آله) با این قبیله پیمانی منعقد کرد که بر اساس آن، هر دو طرف متعهد شدند که به یکدیگر حمله نکنند و در صورت نیاز به یکدیگر کمک کنند. این پیمان به تقویت روابط بین مسلمانان و قبایل اطراف مدینه کمک کرد.

پیمان با قبیله بنی‌جذیمه: پس از یک درگیری کوتاه با قبیله بنی‌جذیمه، پیامبر (صلی الله علیه و آله) با این قبیله پیمانی منعقد کرد که بر اساس آن، هر دو طرف متعهد شدند که به یکدیگر حمله نکنند و در صورت نیاز به یکدیگر کمک کنند. این پیمان به تقویت روابط بین مسلمانان و قبایل اطراف مدینه کمک کرد.

پیمان با قبیله بنی‌حارث: پیامبر (صلی الله علیه و آله) با قبیله بنی‌حارث نیز پیمانی منعقد کرد که بر اساس آن، هر دو طرف متعهد شدند که به یکدیگر حمله نکنند و در صورت نیاز به یکدیگر کمک کنند. این پیمان نیز به تقویت روابط بین مسلمانان و قبایل اطراف مدینه کمک کرد.

پیمان با قبیله بنی‌نضیر: پس از یک درگیری کوتاه با قبیله بنی‌نضیر، پیامبر (صلی الله علیه و آله) با این قبیله پیمانی منعقد کرد که بر اساس آن، هر دو طرف متعهد شدند که به یکدیگر حمله نکنند و در صورت نیاز به یکدیگر کمک کنند. این پیمان به تقویت روابط بین مسلمانان و قبایل اطراف مدینه کمک کرد.

این نمونه‌ها نشان‌دهنده تلاش‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای حل اختلافات به روش‌های صلح‌آمیز و از طریق مذاکره و دیپلماسی است.

نتیجه گیری

در قرآن کریم، آیات ۵۹ تا ۶۵ سوره نساء به وضوح بر وجوب رجوع به حاکم شرع الهی در هنگام منازعه تأکید می‌کند. این آیات نشان‌دهنده اهمیت مراجعه به خدا و رسول او در حل و فصل منازعات است. در تاریخ اسلام نیز، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) همواره بر روابط مسالمت‌آمیز و صلح با سایر دولت‌ها تأکید داشته و جنگ را به عنوان یک حالت استثنائی مطرح کرده است. اسلام به عنوان دینی که بر پایه عدالت، رحمت و همزیستی بنا شده است، همواره به پیروان خود توصیه می‌کند که در روابط خود با دیگران از صلح و دوستی پیروی کنند. نمونه‌هایی از حل اختلافات به روش‌های صلح‌آمیز در عصر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نشان‌دهنده تلاش‌های ایشان برای حل اختلافات از طریق مذاکره و دیپلماسی است. این اصول نشان‌دهنده تعهد به حفظ صلح و امنیت در جامعه و روابط بین‌المللی است. جهاد در اسلام تنها به عنوان ابزاری برای دفاع از مسلمانان در برابر ظلم و بی‌عدالتی مطرح شده و دارای شرایط خاصی است که باید تحقق یابد. از جمله این شرایط، وجوب انذار دشمن قبل از کارزار و اعلان جنگ است. در حقوق اسلام، جنگ به طور کلی جایز نیست و تنها در شرایط خاصی که ظلم و بی‌عدالتی به مسلمانان تحمیل شود، جهاد مجاز است. این شرایط باید به دقت بررسی و احراز شود تا از بروز نزاع‌های بی‌مورد و ریختن خون ناحق جلوگیری شود. حقوق بشردوستانه در اسلام نیز دارای احکام دقیق، عادلانه و انسان‌دوستانه‌ای است که در بعد انسانی و جنبه‌های بشر دوستانه همتایی ندارد. این حقوق شامل حفظ مردم غیرنظامی، حمایت از اهداف غیرنظامی، رفتار با آسیب‌دیدگان و کشته‌شدگان، و حقوق اسیران است. این اصول با حقوق بشردوستانه عصر حاضر در حقوق بین‌الملل مدرن قابل مقایسه است. با توجه به آیات قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، می‌توان نتیجه گرفت که اصل در اسلام بر صلح و سازش است و جنگ تنها در شرایط خاص و به عنوان آخرین راه‌حل مجاز است. اسلام همواره تلاش کرده تا از طریق دیپلماسی و روش‌های مسالمت‌آمیز، روابط بین‌المللی خود را تنظیم کند و از بروز منازعات جلوگیری نماید. این رویکرد نشان‌دهنده اهمیت صلح و عدالت در اسلام است و تأکید بر این دارد که جنگ و نزاع تنها در شرایط خاص و با رعایت اصول و شرایط مشخصی مجاز است. این تحلیل نشان می‌دهد که اسلام دینی است که بر پایه صلح و عدالت بنا شده و همواره تلاش کرده تا از طریق روش‌های مسالمت‌آمیز و دیپلماسی، تنش‌ها و منازعات را کاهش دهد. همچنین، حقوق بشردوستانه در اسلام به عنوان یکی از عناصر ذاتی و اصولی بنیادین نظام حقوق اسلامی، نشان‌دهنده تعهد به حفظ کرامت انسانی و عدالت در زمان جنگ و صلح است.

اسلام دینی است که بر پایه صلح و عدالت بنا شده و همواره تلاش کرده تا از طریق روش‌های مسالمت‌آمیز و دیپلماسی، تنش‌ها و منازعات را کاهش دهد. همچنین، حقوق بشردوستانه در اسلام به عنوان یکی از عناصر ذاتی و اصولی بنیادین نظام حقوق اسلامی، نشان‌دهنده تعهد به حفظ کرامت انسانی و عدالت در زمان جنگ و صلح است. در نهایت، هدف از بعثت پیامبران، گسترش عدالت اجتماعی و تربیت معنوی مردم بوده است، نه تأسیس امپراطوری و فتوحات نظامی. این اصول و ارزش‌ها باید به عنوان راهنمایی برای جوامع معاصر در جهت حفظ صلح و امنیت جهانی مورد توجه قرار گیرد.

منابع

۱. آجیلی، هادی؛ اسمعیلی اردکانی، علی (۱۳۹۲). درآمدی بر معنا و مفهوم صلح در روابط بین‌الملل؛رویکرد اسلام سیاسی فقاهتی. *پژوهش‌های سیاستهای اسلامی*. ۱ (۴)، ۱۳۴-۱۰۵.

۲. آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۷۸). *تاریخ پیامبر اسلام*. تهران: دانشگاه تهران.

۳. ابن هشام، عبدالملک (۱۳۶۹). *سیره النبویه*. تهران: ادیب مصطفوی.

۴. البانی، محمد ناصرالدین (۱۴۱۲ق.). *سلسلة الاحادیث الضعیفة و الموضوعة*. ریاض: دارالمعارف.

۵. المحمدی، رشیدرضا (۱۴۱۴ق.). *تفسیر المنار*. مصر: دارالمنار.

۶. بیدآباد، بیژن (۱۳۸۸). *خلاصه اصول روابط بین الملل در اسلام از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی (حقوق بین الملل عمومی، سیاست خارجی و دیپلماسی)*. تهران: انتشارات نور فاطمه.

۷. خزائی، احمدرضا (۱۳۹۳). دیپلماسی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ابزارهای توسعه روابط بین الملل با سایر دولت‌ها. *فصلنامه مطالعات روابط بین الملل*. ۷ (۲۸)، ۱۳۱-۱۰۳.

۸. رستاخیزباغان، باقر (۱۴۰۳). جایگاه دیپلماسی فرهنگی در صلح سازی و حل و فصل منازعات بین المللی. *اولین کنفرانس بین المللی حقوق، علوم سیاسی، سیاست اسلامی و فقه اسلامی*. ساری. ایران.

۹. شلتوت، محمود (۱۳۵۴). *جنگ و صلح در اسلام*. ترجمه شریف رحمانی. تهران: انتشارات بعثت.

۱۰. شیخ طوسی، ابوجعفر محمدبن الحسن (۱۳۹۵). *التبیان فی تفسیر القرآن*. قم: انتشارات اسلامی.

۱۱. شیخ صدوق، ابوجعفر (۱۳۸۹). *الخصال*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین.

۱۲. طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۱ ق.). *جامع البیان عن تأویل آی القرآن تفسیر الطبری*. بیروت: دارالکتب العلمیه و داراحیاء التراث العربی.

۱۳. عزیزی، موسی (۱۳۹۱). سیره سیاسی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله). *ویژه نامه نقطه پرگار*. ۱ (۱)، ۹۶-۸۴.

۱۴. عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۴۴). *اسلام و همزیستی مسالمت آمیز*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۱۵. *قرآن کریم* (۱۳۹۸). ترجمه محمدمهدی فولادوند. تهران: پیام عدالت.

۱۶. مساعدی، علی (۱۳۸۲). *سیاست خارجی پیامبر اعظم (ص)*. قم: انتشارات قم.

۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). *مجموعة بحوث فقهیه*. قم: مدرسة الإمام علی بن أبی طالب (علیه السلام).

۱۸. منتظری، حسینعلی (۱۳۷۴). *مبانی فقهی حکومت اسلامی*. ترجمه محمود صلواتی. تهران: نشر تفکر.

۱۹. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ ق.). *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیه*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

۲۰. نجفی، محمدحسین (۱۳۶۵). *جواهرالکلام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

References

1. Ajili, H. & Ismaili Ardakani, A. (2013). An introduction to the meaning and concept of peace in international relations, political approach of islamic jurisprudence. *Islamic Policy Studies*. 1 (4), 105-134. (IN PERSIAN)

2. Al-Albani, M.N. (1992). *The Series of Weak and Fabricated Hadiths.* Riyadh:Dar Al-Ma'arif. (IN PERSIAN)

3. Al-Mohammadi, R. R. (1993). *Tafsir Al-Manar*. Egypt: Dar Al-Manar. (IN PERSIAN)

4. Amidzanjani, A. A. (1965). *Islam and Peaceful Coexistence*. Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah. (IN PERSIAN)

5. Ayati, M.I. (1999). *The History of the Prophet of Islam*. Tehran: University of Tehran. (IN PERSIAN)

6- Azizi, M. (2012). The political conduct of the prophet Muhammad (peace be upon him). *Special Issue of Point of Compass*. 1 (1), 84-96, Winter. (IN PERSIAN)

7. Bidabad, B. (2009). *Summary of the Principles of International Relations in Islam from the Perspective of Wisdom in Islamic Mysticism and Sufism (Public International Law, Foreign Policy, and Diplomacy)*. Tehran: Nour Fatemeh Publications. (IN PERSIAN)

8. *Holy Quran* (2019). Mohammad Mehdi Fouladvand (Trans.). Tehran: Payam Adalat. (IN PERSIAN)

9. Ibn Hisham, A.M. (1990). *The Life of the Prophet*. Tehran: Adib Mostafavi. (IN PERSIAN)

10. Khazaei, A. R. (2014). The diplomacy of the prophet (peace be upon him) and tools for developing international relations with other states. *Quarterly Journal of International Relations Studies*. 7 (28), 103-131. (IN PERSIAN)

11. Makarem Shirazi, N. (2001). *A Collection of Jurisprudential Researches*. Qom: School of Imam Ali ibn Abi Talib (peace be upon him). (IN PERSIAN)

12. Montazeri, H. A. (1988). *Studies in the Jurisprudence of Governance and Islamic State Jurisprudence*. Qom: Islamic Propagation Office of the Seminary. (IN PERSIAN)

13. Montazeri, H. A. (1995). *Jurisprudential Foundations of Islamic Government*. Mahmoud Salavati (trans.). Tehran: Tafakkur Publications. (IN PERSIAN)

14. Mousavi, A. (2003). *The Foreign Policy of the Greatest Prophet (pbuh).* Qom: Qom Publications. (IN PERSIAN)

15. Najafi, M. H. (1986). *Jewels of Speech*. Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah. (IN PERSIAN)

16. Rastekhiz Baghani, B. (2024). The role of cultural diplomacy in peacebuilding and conflict resolution in international affairs. *The First International Conference on Law, Political Science, Islamic Politics, and Islamic Jurisprudence*. Sari, Iran. (IN PERSIAN)

17. Shaltout, M. (1975). *War and Peace in Islam*. Sharif Rahmani (Trans.). Tehran: Ba'th Publications. (IN PERSIAN)

18. Sheikh al-Saduq, Abu J. (2010). *Al-Khisal*. Qom: Islamic Publishing Institute affiliated with the Society of Teachers. (IN PERSIAN)

19. Sheikh Tusi, Abu J. M. Ibn Al-H. (2017). *Al-Tafsir Al-Tibyān in the Interpretation of the Quran*. Qom: Islamic Publications. (IN PERSIAN)

20. Tabari, M. Ibn J. (2001). *Al-Jami' Al-Bayan about the Interpretation of the Verses of the Quran, Tafsir Al-Tabari*. Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyyah and Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi. (IN PERSIAN)